



مرکز مجاز امام صادق (علیه السلام)

## اصول الفقه (عام و خاص)

دوران بین نسخ و تخصیص ۳

جلسه ۱۳۲

استاد نجار زاده

### صورت دوم:

#### علت ناسخ بودن:

وقتی عام وارد شد و به حسب فرض، وقت عمل به آن فرا رسید؛ اگر خاصّ مخصّص عام باشد، تأخیرش جایز نیست؛ زیرا این تأخیر از باب «تأخیر بیان از وقت حاجت» محسوب شده که از شخص حکیم قبیح می‌باشد؛ زیرا به واسطه آن احکام ضایع شده و مصالح از بندگان تفویت می‌گردد (بدون اینکه این تفویت جبران گردد)؛ از این رو به منظور پیش نیامدن چنین محذوری، لازم است که خاصّ را ناسخ بدانیم و پس از ورودش، بر طبق آن عمل شود.

#### علت مخصّص بودن:

الف: امکان دارد عام مزبور، در مقام بیان حکم ظاهری و صوری بوده و مصلحت چنین اقتضاء می‌کرده که برای مدّتی، عام وارد شده باشد و حکم واقعی که بر طبق خاصّ است مکتوم باشد و بندگان به مقتضای مصلحت (و لو مصلحت تقیّه) به آن عمل کنند.

ب: ممکن است مصلحت، بیان حکم واقعی به تدریج باشد (چنانچه از طریقه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلّم در بیان احکام این طور معلوم شده)؛ درحالی که حکم واقعی، بر طبق خاصّ بوده؛ لذا وقتی خاصّ وارد شد، کشف می‌کنیم که حکم در واقع خاصّ بوده نه عام و بدین ترتیب، خاصّ مزبور مبین عام و مخصّص آن واقع می‌شود؛ حکم عام که در اوّل ثابت شد و به عنوان حکم ظاهری و صوری مورد عمل قرار گرفت مرتفع شده و زمان عمل به آن به انتهاء رسیده و بندگان نباید دیگر به آن عمل کنند و این ارتفاع، از باب ارتفاع حکم عام به خاطر ارتفاع موضوع می‌باشد؛ زیرا مادامیکه خاصّ نیامده بود، مصلحت



## مرکز مجاز امام صادق (ع)

مقتضی عمل به عام بوده و همین مصلحت، موضوع برای حکم عام محسوب می‌شد؛ ولی پس از فرارسیدن خاص و زائل شدن موضوع عام، دیگر معنا ندارد که حکم بدون موضوع، به قوت خود باقی باشد؛ بلکه حکم نیز به تبعیت ارتفاع موضوع، مرتفع می‌گردد و باید توجه داشت که این را نسخ نباید دانست.

ImamSadiq.tv

ImamSadiq.tv

نتیجه: ImamSadiq.tv

عام:

الف: مبین حکم ظاهری: خاص مخصص است.

ب: مبین حکم واقعی: خاص ناسخ است.

**نکته:**

اگر دلیلی بر تعیین دو احتمال فوق نبود وظیفه چیست؟ به نظر مصنف، اقرب به صواب آن است که در

دوران مزبور، حمل خاص بر تخصیص باید بشود.

ImamSadiq.tv

ImamSadiq.tv

ImamSadiq.tv

ImamSadiq.tv

ImamSadiq.tv

ImamSadiq.tv